



# یک توپ برای همه!



بریثیت ونینگر • ایو تارلت  
حسام سبحانی • ماندانا نارنجیها



از مجموعه‌ی  
داستان و کارتون  
به ۵ زبان

کمی بعد، ریکو سر رسید؛ در حالی که توپ زیر بغلش بود.  
مکس به او خوش آمد گفت: «هی رفیق! چه خوب شد که آمدی! بدون توپ کمی حوصله مان  
سررفته بود. دلت می خواهد با ما بازی کنی؟ البته باید خیلی مراقبِ همدیگر باشیم؛ چون مولی  
خوب نمی بیند، فردی نمی تواند خوب بشنود، هنری از همه چیز می ترسد و من هم نمی توانم  
خوب راه بروم. باز هم دلت می خواهد با ما بازی کنی؟»

